

مراقب‌شان باشیم

تفکیک جنسیتی در مدارس و دانشگاه‌ها یکی از مسائلی بوده که همواره تحت بررسی روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و اندیشمندان زیادی قرار گرفته است. نگاه کردن به این مسأله و تحلیل آن نیاز به بررسی‌های چندجانبه و دقیق دارد. تحلیل تک‌بعدی این ماجرا صرف‌نشان‌دهنده آسیب‌ها یا مزایای کوچکی است که ما را از ابعاد بزرگ‌تر و تأثیرهای بیشتر تفکیک‌های جنسیتی دور می‌کند. تفکیک‌های جنسیتی از منظر مهارت‌های اجتماعی باعث ایجاد سطوحی از اختلال می‌شود. مهم‌ترین اختلالی که در نتیجه این تفکیک به وجود می‌آید عدم شکل‌گیری روابط اجتماعی متقابل درست با جنس مقابل است. وقتی که در فضای آموزشی و با نظارت و کنترل این روابط شکل نگیرد و ایجاد نشود در شرایط آزادتر افراد را دچار چالش‌ها و دوگانگی‌های متفاوتی می‌کند. همچنین این تفکیک باعث می‌شود که بعد از ایجاد روابط متقابل درست و به‌ویژه در مقطع ورود به دانشگاه و سال‌های نخست آغاز زندگی اجتماعی فری‌تصورات و برداشت‌های کلیشه‌ای خاصی داشته باشد که صحیح نیستند و باعث ایجاد آسیب می‌شود. ایجاد کیفیت دوگانه در زندگی مسأله ثانویه‌ای است که باید مورد بررسی قرار بگیرد. با تفکیک‌های جنسیتی صورت گرفته در دوران ابتدایی فرد زندگی جوان ایرانی همیشه با یک دوگانه مهم زن و مرد یا زنانه و مردانه درگیر خواهد بود. یکی از دلایل تفاوت‌های فاحش در برخی از آمارهای آسیب اجتماعی در ایران نسبت به دنیا همین بحث مربوط به کیفیت دوگانه زندگی است. همچنین عدم تطابق فرهنگ غیررسمی جامعه (فرهنگ موجود در بطن جامعه) و فرهنگ رسمی جامعه (فرهنگ حاکمیتی جامعه) باعث می‌شود که گستردگی آسیب‌های این تفکیک بیش از پیش شود. در سال‌های اخیر جامعه و فرهنگ مایه‌تغییرات زیادی را تجربه کرده‌است و در این سال‌ها تفکیک‌های جنسیتی از بین رفته است. برای مثال کار کردن دیگر به صرف مسأله‌ای مردانه نیست یا از طرفی استفاده از کرم و ماسک‌های پوست دیگر مسأله‌ای زنانه نیست اما از آنجاکه این تفکیک جنسیتی از همان سال‌های ابتدایی دوران مدرسه ایجاد می‌شود باعث تأثیرات ماندگار و ناخودآگاهی برای افراد می‌شود که زیست اجتماعی آنها را در بزرگسالی و روابط حرفه‌ای و عاطفی دچار مشکل می‌کند.

بدان و آگاه باش

ماه‌های ابتدایی همین سال بود که مجلس از مسئولان عالی وزارت علوم دعوت کرد تا در مورد علت افت تحصیلی در میان دانشجویان مورد پرسش قرار بگیرند. در رابطه با عدم علاقه دانشجویان برای ادامه تحصیل، دلایل متفاوتی مطرح می‌شود. یکی از مهم‌ترین عامل این اتفاق، عدم دید واقعی و درست از رشته‌های متفاوت در دانشجویان است. بستر معرفی رشته‌های تحصیلی به دانش‌آموزان، به جای آموزش و پرورش، اینستاگرام شده و به جای مشاوران آگاه به دست‌بلاگرهای بعضاً ناآگاه اینستاگرامی افتاده تا با وبلاگ‌های خوش‌آب‌ورنگی که اکثراً، واقعیت سخت این رشته‌ها را سانسور می‌کنند، برای رشته‌هایی که اسم‌تاپ به خود گرفته، تبلیغات گسترده کنند. از آن رشته‌ها رویا بسازند و برای رساندن دانش‌آموزان به آن رشته‌ها، هزینه‌های معمولاً گزاف بگیرند. چیزی که در این معرفی‌های غیرتخصصی معمولاً نادیده گرفته می‌شود، ویژگی‌های فردی و محیطی دانش‌آموزان است که مهم‌ترین نقش را در رضایتمندی آنها در آینده خواهد داشت. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، راهکارهای زیادی برای حل این معضل ارائه داده‌اند ولی نمی‌دانیم اجرایی نشدن آنها به چه دلیل است؟ از سال ۹۴ آیین‌نامه هدایت تحصیلی برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول، در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید که پس از آن، شاهد تغییرات مثبت گسترده‌ای در روند انتخاب رشته دانش‌آموزان بودیم. اما سؤال اینجاست که چرا در دوره متوسطه دوم، حتی یک واحد درسی، جهت معرفی رشته‌های دانشگاهی توسط فارغ‌التحصیلان موفق آنها وجود ندارد؟ تمام سه سال دبیرستان، دانش‌آموزان درگیر پاسخ درست دادن به سوال‌های چهارگزینه‌ای کنکوری هستند در حالی که اکثراً جواب محکمی برای سوال چندین گزینه‌ای انتخاب رشته ندارند! هرچند که به تازگی



صداسیما برنامه‌های مفیدی در این حوزه تولید کرده. به‌ویژه شبکه آموزش سیما، با تولید برنامه سرشته یا شبکه امید با برنامه پربیننده برو بی کارت، فعالیت‌هایی در این زمینه داشته‌اند. اما انتظار می‌رود این تولیدات بیش از پیش حمایت و به مخاطب هدف معرفی شوند.

رسانه و دانشجو



تصویری که رسانه از یک جوان ۱۸ الی ۲۲ ساله برای ما به تصویر می‌کشد، چیست؟ اکثر ایک دانشجو! این در حالی است که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ چهار میلیون نفر جمعیت دانشجویی داشتیم و در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در دانشگاه‌های سه میلیون و ۱۷۳ هزار و ۷۷۹ نفر در دانشگاه‌های کشور مشغول تحصیل بودند. یعنی به طور عمومی اقبال دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه رو به کاهش است. این در حالی است که رسانه، به عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که در فرهنگ‌سازی جوامع نقش دارد، برای دانش‌آموزانی که به هر دلیلی قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را ندارند، راه جایگزین مناسبی معرفی نمی‌کند. معمولاً شاهدیم که برجسته‌ترین راه موفقیت، در فیلم‌ها و سریال‌ها، تحصیل معرفی می‌شود و انگار سال‌هاست صنعت فیلمسازی ما برای خلق شخصیت‌های موفق، به کلیشه‌ای‌ترین روش و حالت بسنده کرده است. این بازنمایی غلط رسانه از دانشجو و دانشگاه، در سال‌های اخیر مورد بحث بسیاری از اندیشمندان و مسئولان بوده است و به عنوان مثال، معاون فرهنگی وزیر علوم نیز از این بازنمایی معیوب رسانه‌ای گله داشته و معتقد بوده که بایستی مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. حالا به راستی چند درصد از افرادی که به عنوان شخص موفق، در ذهن شما شناخته شده هستند، از شاعران و نویسندگان گرفته، تا نقاشان و مجری‌ها و کارآفرینان و مهندسان، تحصیلات مرتبط با کارشان داشته‌اند؟ تا حالا در این مورد تحقیق کرده‌اید؟ آیا دانشگاه در بیشتر اوقات اکثر راهی سراب گونه نیست که رسانه ما را مقید به پیمودن آن کرده؟

دوران دانش آموزی

کجاست؟

کلاس‌های عملی بیمارستان دهن‌مان را آب‌های آماده سلف خوابگاه را نشان‌مان دادند و راتوی کتابخانه هم خوب و ایرال می‌شد. استوری‌قطر و زبان اصلی موه‌ای تن‌مان را سیخ کرد. یک کردیم و غره‌ای دانشجویان را در پروژه‌ها و سردر دانشگاه‌های مان رفتیم تا کشف و حمایت به بود در دانشگاه سفره‌ای پهن است و باید دوان هم. غافل از این که دوران دانش‌آموزی تمام شده ی از ما مطالعه منابع اصلی را نمی‌خواهد. سلف ی خانه‌داری می‌رود و ایستادن روی پای خود را عملی استاد، اکثراً کار خودش را می‌کند و ما باید جوو آن تصاویر آرمانی هم کیک!

شوش و پرورش و وزارت علوم به جز چند بخشنامه بی‌هویت و بدون نگاه پیشینی پسینی چه چاره‌ای اندیشیده؟ آیا به جز تفکیک‌سازی، برنامه‌ای برای تنظیم ابط میان دختر و پسر دارد؟ در سال ۱۴۰۱ معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش از بخشنامه‌ای در جهت ممنوعیت تدریس دبیران مرد در مدارس متوسطه دخترانه خبر داد. گذشته از محروم شدن دختران از خیلی مدرسه‌های باتجربه، سوالاتی دیگر مطرح است: آیا جلوگیری از ارتباط دختران با جنس مخالف، سیاست مناسبی برای کنترل فسادهای موجود است؟ دخترانی که به مرور مدیریت روابط خود را تمرین نکرده‌اند، چه وقت و چگونه قرار است خودتنظیم‌گری را یاد بگیرند؟

